

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۵ اکتوبر ۲۰۱۹

## جنبش کارگری و اتحادیه کارگری

از جنبش کارگری تصورات نادرستی، درک، بیان و تبلیغ می‌شود.

جنبش کارگری خلاف تصور عده‌ای بی‌خبر و روشنفکرانی که هیچ گاه دستی بر آتش مبارزه نداشته‌اند، این نیست که عده‌ای فعالان سیاسی و یا کارگری به اعتصابی دست زنند و یا تظاهرات چند صد نفره را رهبری کنند و شعارهای رادیکال بدهند تا بتوان از آنها به عنوان نمایندگان جنبش کارگری نام برد. جنبش کارگری همه اشکال مبارزه کارگری از بدو پیدایش کارگران تا به امروز را در بر می‌گیرد. جنبش کارگری در برگیرنده همه فعالیت‌های طبقه کارگر از جمله فعالیت‌های سندیکائی، حزبی، سیاسی، ایدئولوژیک و تاریخی این طبقه است. جنبشی مستقل سیاسی که از آغاز سرمایه‌داری پا گرفته و در درونش طبقه کارگری را خلق نموده که در مبارزه طبقاتی با بورژوازی از منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این طبقه دفاع کرده برای رهائی طبقه کارگر از جنبه سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک از قید و بند بورژوازی حاکم و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا در جامعه سوسیالیستی می‌رزد.

جنبش کارگری ایران از دوران مشروطیت به صورت نطفه شکل گرفته در دوران حزب کمونیست ایران گسترش یافته و در دوران مبارزه حزب توده ایران در سالهای میان ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به اوج خود رسیده است. جنبش کارگری همانگونه که از نامش پیداست یک حرکت و جنبش عمومی کارگری است. چنین جنبشی در شرایط کنونی ایران یا وجود ندارد و یا بسیار ضعیف و محدود می‌باشد. هستند کسانی که برای دهان شیرین کردن مرتب از جنبش کارگری ایران نه به مفهوم واقعی بلکه به مفهوم انجام عملیات انفرادی و گروهی آن سخن می‌رانند که تصور نادرستی در اذهان مبارزان برای محاسبه قوای دوست و دشمن ایجاد می‌کند. آنچه امروز به طور عینی وجود دارد طبیعتاً بخشی از مبارزه و تاریخ مبارزه کارگران و زحمتکشان ایرانی است ولی جنبش کارگری نیست که جنبه تاریخی و سراسری را به ذهن متبادر ساخته و در سرنوشت تحولات کنونی ایران نقش مؤثر بازی کند. مبارزات پراکنده اعتصابی و اعتراضی و تلاش برای دریافت حقوق معوقه و... را که تلاشهای قابل احترام و بجا و قابل پشتیبانی هستند، نمی‌شود به جای جنبش کارگری قرار داد.

طبقه کارگر برای رهبری مبارزه طبقاتی به تأسیس سازمانهای گوناگون دست می‌زند از جمله اتحادیه‌های کارگری، مجامع فرهنگی و ورزشی، سازمانهای زنان و جوانان و مهمتر از همه حزب طبقه کارگر که باید رهبری همه انواع آن

سازمانهای تودمئی را در دست داشته باشد و جهات متفاوت مبارزه طبقه کارگر را در یک مسیر واحد با هدف واحد سوق داده و رهبری نماید.

جنبش کارگری در برگیرنده همه اشکال مبارزه کارگری به معنای وسیع کلمه است.

مبارزه طبقاتی در سه عرصه در جریان است. در عرصه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک.

طبقه کارگر دارای علائق بلاواسطه اقتصادی است. مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در ممالک سرمایه‌داری یکی از جهات اساسی مبارزه این طبقه است که به شکل مطالبات برای بهبود شرایط زندگی، حیات و کار وی صورت می‌پذیرد. علی‌رغم مقاومت سرسختانه حاکمیت بورژوازی طبقه کارگر در جبهه وسیعی مبارزه را برای تحقق موفقیت‌آمیز خواستهایش به پیش برده است. طبقه کارگر در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری موفق شده است امتیازاتی از سرمایه‌داران کسب کند که استبداد و خودسری سرمایه‌داری را محدود کرده و مانع شده است که زحمتکشان قربانی اشکال نوئی از بهره‌کشی سرمایه‌داری شوند. این که طبقه کارگر در عرصه مبارزه اقتصادی خویش موفق شده است ساعت کار را از ۱۲ تا ۱۶ ساعت به ۸ ساعت در روز برساند، از کار کودکان ممانعت کند و در عرصه اجتماعی بیمه بازنشستگی، حقوق دوران بیکاری، مرخصی با حقوق ... به سرمایه‌داری تحمیل کند از دستاوردهای بزرگ طبقه کارگر در مبارزه اقتصادی این طبقه است. طبقه کارگر موفق شده است شرایط ایمنی کار را افزایش دهد، به درجه حفظ سلامتی طبقه کارگر بیفزاید. طبقه کارگر تلاش می‌کند کاهش بهای پول را که ارزش واقعی دستمزد آنها را مرتب کاهش می‌دهد به کیسه سرمایه‌داران تحمیل کند و به افزایش حقوق خود متناسب با وضعیت اقتصادی بپردازد. جنبش کارگری برای تحقق خواستهای صنفی خود به اسلحه تشکل و اعتصاب متوسل می‌شود. شکل مناسب برای کسب امتیازات بیشتر از سرمایه‌داری، شکل آزموده مبارزات سندیکائی طبقه کارگر است. کارگران در اتحادیه‌های کارگری به اهمیت تشکل و اتحاد برای تحقق خواستهای خویش پی‌می‌برند و در درون این اتحادیه آموزش دیده و تربیت می‌گردند. این شکل مبارزه را کارگران سراسر جهان برای کسب موفقیت بیشتر همواره انتخاب کرده و می‌کنند. از نظر تاریخی نیز مبارزه برای تحقق علائق اقتصادی قبل از پیدایش احزاب کمونیستی برای کسب قدرت سیاسی بوده است. جنبش چارتیستها در انگلستان که خواستهای اجتماعی را نیز در برنامه خود داشت قبل از پیدایش جنبش کمونیستی است. در عرصه مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در تجربه عملی خویش درک می‌کند که همه مطالبات اقتصادی و اجتماعی وی نمی‌تواند در چارچوب نظام سرمایه‌داری موجود عملی شود و این است که باید اشکال جدید مبارزاتی پیدا شوند تا بتوانند خواستهای سیاسی طبقه کارگر را که تنها با کسب قدرت سیاسی و نابودی حاکمیت بورژوازی می‌توانند به‌طور نهائی اجراء شوند، به تحقق در آورند. در اینجا مسأله تأسیس حزب طبقه کارگر سازمانی که رهبری سازمانی، سیاسی و ایدئولوژیک این طبقه را در بر می‌گیرد به میان می‌آید. طبقه کارگر در هر عرصه مبارزه سازمانهای مربوط به همان عرصه را دارا می‌باشد تا بتواند سهلتر توده عظیم کارگران و زحمتکشان را به مبارزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جلب کند. برای تحقق خواستهای اقتصادی و تا حدودی اجتماعی که بیان خواستهای عموم خلق باشد، شکل سازمانی اتحادیه‌های کارگری بهترین شکلی است که تجربه تاریخ صحت آن را اثبات کرده است ولی برای کسب قدرت سیاسی طبقه کارگر به حزب سیاسی مستقل خود از بورژوازی نیاز دارد که مسأله کسب قدرت سیاسی را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

در حالی که سندیکای کارگری تنها در کادر حاکمیت موجود می‌تواند برای خواستهای خویش مبارزه کند، حزب آن مرزها را منفجر می‌کند. مرزهای این سازمانها روشن است و یکی را نمی‌شود به جای دیگری گرفت و یا وظایف آنها را باهم مخلوط کرد. اتحادیه کارگری هدفش کسب قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری و آزادی سراسری و یا

حاکمیت شورائی نیست، بهبودی شرایط استثمار است نه حذف استثمار. حذف استثمار وظیفه حزب طبقه کارگر بوده که توسط کارگران آگاه و سوسیالیست به انجام می‌رسد. در درون حزب که جنبه کیفی آن بر کمی ارجحیت دارد، تنها کسانی عضویت دارند که نه تنها از منافع اقتصادی بلکه از منافع سیاسی و ایدئولوژیک طبقه کارگر نیز حمایت می‌کنند و برای تحقق مبارزه می‌نمایند.

حزب آگاهترین عامل جنبش کارگری است و تا آن حدود عقل سالم دارد که بداند وظایف سازمانهای گوناگون طبقه کارگر را نمی‌شود با یک دیگر مخلوط کرد و لزوم تعدد سازمانهای کارگری را با یک شعار پرطمطراق "انقلابی" و "کشنده" منتفی گردانید. اتحادیه‌های کارگری وظیفه و ظرفیت فکری و عملی کسب قدرت سیاسی و مبارزه با دولت را ندارند. وظیفه اتحادیه‌های کارگری مبارزه برای بهبود شرایط زندگی خود با سرمایه‌داران مشخص خصوصی است. درگیری با دولت تنها زمانی اجتناب ناپذیر است که کارخانه‌هایی که اعتصاب در آنها صورت می‌گیرد کارخانه‌های دولتی بوده و دولت صاحب کار باشد. تصور این که باید مبارزه سندیکائی را به مبارزه برای کسب قدرت سیاسی و سرنگونی رژیم حاکم کشانید نه تنها به جنبش کارگری و طبقه کارگر صدمه می‌زند بلکه طراحان چپرو این خواستها را به انزوا کشانده، طعمه پولیس کرده و خود آنها را نیز در آتیه خانه‌نشین خواهد کرد.

عده‌ای خیرخواه ناآگاه فکر می‌کنند اگر گفته شود وظیفه اتحادیه‌های کارگری سرنگونی رژیم حاکم نیست، بلکه باید شرایط استثمار را به نفع خود تغییر دهد، اقدامی اپورتونیستی و ضد انقلابی انجام گرفته است. به نظر آنها حلال همه مشکلات برای رفع همه تضادهای جامعه کنونی ایران، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آن هم بدون شرکت توده آموزش دیده مردم در عرصه مبارزه طولانی دموکراتیک است. آنها با این انقلابی‌نمائی کاذب تمام عرصه‌های مبارزه اقتصادی، مطالباتی، دموکراتیک، اجتماعی و... را تعطیل می‌کنند و چون از جریانهای زاده شده‌اند که به نقش توده‌ها اهمیت نمی‌داده و تفاوت انقلاب را با قیام و یا کودتا نمی‌فهمند، طبیعتاً درک نمی‌کنند که انقلاب کار توده‌هاست و توده‌ها نیز همه در یک سطح از آگاهی سیاسی و اجتماعی به سر نمی‌برند.

اشکال سازمانی که جنبش کارگری برای سازماندهی و بسیج توده‌ی و ارتقای سطح آگاهی آنها در نظر گرفته است، با توجه به این است که مخاطب این خواستها کدام بخش از توده‌های طبقه کارگر و یا اجتماع هستند. کارگری که حاضر است برای بهبود شرایط زندگی اش اعتصاب کند و در اتحادیه کارگری عضو شود معلوم نیست حاضر باشد عضویت در حزب سیاسی طبقه کارگر را بپذیرد و به همین جهت نیز هرگز احزاب طبقه کارگر در جهان نتوانسته‌اند همه کارگران را در حزب کمونیست متشکل کنند. حتی اتحادیه‌های کارگری نیز نتوانسته‌اند همه کارگران را در اتحادیه کارگری سازمان دهند.

کسانی که از واقعیات جامعه و مبارزه طبقاتی و ارزش توده‌ها بی‌خبراند، ناچارند این نادانی خویش را با شعارهای دهان پرکن و بی نتیجه جایگزین کنند. در شرایط کنونی ایران، کارگران باید برای آزادی فعالیت اتحادیه مستقل سراسری کارگران ایران مبارزه کنند. هدف آنها بسیج و سازماندهی طبقه کارگر و خواست تحقق مطالبات اقتصادی این طبقه است. طرح خواستهای اجتماعی طبقه کارگر که جنبه عمومی خلقی دارد از جمله حفظ محیط زیست، مخالفت با جنگ، حمایت از خواستهای دانشجویی، آموزگاران و... تنها با توجه به درجه رشد عمومی مبارزات مردم می‌تواند به- میان آید.

هدف این اتحادیه کارگری هرگز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت کارگری و یا شورائی نیست. کسانی که می‌خواهند این خزعبلات "انقلابی" را به جنبش کارگری و یا حتی اعتراضات پراکنده کارگری تحمیل کنند، دشمنان طبقه کارگر و حزب کمونیست هستند. دشمنی آنها با حزبیست به آنجا می‌رسد که همه عرصه‌های مبارزه طبقاتی

را یک کیسه کنند و با یک شعار سحرآمیز در رؤیای خود به کسب قدرت سیاسی موفق شوند. آنها راه صعب مبارزه طبقاتی را به راه کمترین مقاومت چند تن قهرمان بدل کرده‌اند که فقط در پندارها و تخیلات خود انقلابی‌اند. آنها چه بخواهند و چه نخواهند در افق تنگ و محدود دیدشان مبارزان سرسخت را لقمهٔ مأموران امنیتی می‌کنند و دست انواع و اقسام ماجراجویان را در تخریب جنبشهای اعتراضی با شعارهای کاذب انقلابی باز می‌گذارند. حزب ما با این روشهای آنارکو سندیکالیستی و ماجراجویانه موافق نیست زیرا به جامعهٔ کارگر ایران صدمه می‌زند.

برگرفته از توفان شماره 523 مهر ماه [میزان] 1398 - سپتامبر سال 2019  
ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)  
[www.toufan.org](http://www.toufan.org)